

نقش مدیریت در تحقق اهداف نبوی

(3) نویسندگان: دکتر حسین خنیفر (۱)، نفیسه زروندی (۲)، جواد زروندی

چکیده

امتیاز اسلام نسبت به ادیان پیشین خصوصیت جاودانگی و جامعیت قوانین و احکام آن است. این نوآوری و جامعیت در مدیریت جامعه انسانی و اسلامی نیز ویژگی و امتیاز خاصی به مکتب اسلام می دهد. بدین معنا که توجه به سرنوشت جامعه و شیوه مدیریت، قوانین و احکام مربوط به آن، ویژگی ها و شرایط لازم برای متصدیان امور از فصول پر دامنه این شریعت والای الهی و جاودانگی است. ضرورت وجود حکومت، مدیریت و رهبری در جامعه بشری، به طور عام، و در جامعه اسلامی، به طور خاص، از اصول مسلم فلسفه و کلام اسلامی است. با توجه به اهمیت جایگاه مدیریت در تاریخ بشر و ادیان آسمانی و به خصوص، دین مبین اسلام، بی تردید یکی از زیباترین جلوه های مدیریت، که از دیرینگی و تحول آفرینی برخوردار است، مدیریت نبوی است که با اندیشه توانمند و افق دورنگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پایه گذاری شده است.

نواژه های کلیدی

مدیریت، دولت نبوی، مدیریت نفسانی، مدیریت عقلانی

مقدمه

تدبیر و مدیریت جامعه بشری از مهم ترین حکمت های ارسال رسل و انزال کتب آسمانی است و نیز اگر سیاست را مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان ها در مسیر حیات معقول معنا کنیم، به حکم عقل یکی از عالی ترین کارها و تلاش ها محسوب می شود. از این رو در مکتب اسلام این عبادت با ارزش برای عموم شایستگان واجب کفایی و برای شایستگان منحصر به فرد، مثل انبیا و ائمه، در زمان خود واجب عینی است. (ماندگار، ۱۳۷۹، ۱۹۰)

در این میان پیامبر اکرم، الگوی تمام عیار برای فرزندان آدم است و ملاحظه سیره آن بزرگوار مانع از سیر انحرافی امت می شود. ایشان برای امت اسلام به مثابه الگوی تمام عیاری است که مشی بر طبق رفتار و گفتار و کردار ایشان برای امت، حجت قاطع است (سید علوی، ۱۳۸۱، ۳۲)

نکته قابل تأمل این که پیامبر اکرم در مقام نبوت، رسالت، مدیریت و وضعیت فردی، شخصیتی جامع بوده است. از این روی، هنگامی که سخن از الگو بودن پیامبر می رود، این الگو تنها در مسائل عبادی و رفتارهای فردی - اخلاقی ایشان منحصر نمی شود، بلکه تمامی شئون ایشان، از جمله مدیریت اجتماعی که در چهره جامعه (قراملکی، ۱۳۸۱، ۹۶) اسلامی نمود وسیعی داشته است را در مقیاس گسترده پوشش می دهد.

بیان مسئله

گرچه هدف اصلی و غایی رسالت انبیای عظام آزاد کردن انسان از بند خودمحوری و دنیاگرایی و دعوت به خدامحوری و در نهایت، سوق دادن انسان ها به سعادت اخروی و حیات طیبه است؛ اما به حکم عقل، تحقق چنین هدف والایی، با نبودن هدایت های راستین انبیا در حیات جمعی انسان ها و انحصار دعوت آنان بر شئون فردی آنان سامان نخواهد یافت. چرا که مقتضای برخی گرایش های طبیعی انسان که نمودهایی همچون خودخواهی

و منفعت طلبی دارد، فضایی نامساعد برای تربیت الهی انسان ها فراهم می آورد. از این رو، به حکم عقل لازم است تصحیح معیشت دنیوی انسان ها و تلاش برای اصلاح مناسبات اجتماعی بشر با فراهم نمودن تشکیلاتی منسجم و نظام یافته به عنوان هدفی بالتبع و قصدی ثانوی در سرلوحه برنامه انبیای الهی باشد (کریمی والا، بی تا، ۵۵).

از سوی دیگر مدیریت، در حقیقت دستاوردی بشری، دینی، اجتماعی و فرهنگی است که وام دار تجارب بشر در گذر تاریخ و ادیان بوده است و ظهور حقیقی و واقعی آن در حوزه روابط انسانی و تعامل انسان ها است و کارکرد مصطلح و تعریف شده و عمده آن، همانا برخورداری افزون تر انسان ها از سعی و تلاش فرد و جمع در قالب وظایف شخص و در محورهای معین و مؤلفه های تعریف شده است. از این رو در تعالیم مکتب متمدنی اسلام، که آیینی دارای ابعاد اجتماعی و کاربردی است، تبیین جایگاه مدیریت و طرح مباحث آن یک ضرورت تام به شمار می آید. این مهم زمانی ضرورت بیش از پیش می یابد که محوریت را به مدیریت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدهیم. زیرا یکی از ابعاد اساسی در سیره و مدیریت اجتماعی و سیاسی پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله و سلم)، تأسیس حکومت سیاسی و نوعی مدیریت نوین برای اداره امور مختلف زندگی مردم در جهت رسیدن انسان به کمال الهی است. این امر بعد از هجرت به مدینه و فراهم شدن شرایط و فرصت این مهم انجام شد. هرچند قبل از هجرت و همان دوران سراسر همراه با محدودیت در مکه نیز به صورت غیر رسمی انتظام سیاسی و هماهنگی لازم در اجرای امور تازه مسلمانان وجود داشت. تعیین و خط مشی گذاری (۴) مأموریت ها و تفکیک سمت ها و وظایف هر کدام به طور رسمی بعد از استقرار مسلمانان در مدینه آغاز گردید. از دیگر سوی، حکومت ها و دولت ها در دنیا هر کدام شاخصه ها و ویژگی هایی دارند که بیشتر به آن شناخته می شوند، و نه تنها در زمان حکومتشان، بلکه در گذر تاریخ نیز آنها را با همان خصوصیات یادآوری می کنند.

همه حکومت‌ها همگی

دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند، اما در حکومت‌انبیا و پیامبران، عموم ارزش‌های واقعی در راستای تربیت جامع‌انسانی به وجود آمده و کامل‌ترین این نوع حاکمیت را در همان دوران محدود حاکمیت آخرین صلی‌الله‌علیه و آله و سلم، می‌توان پیدا کرد (میرحسینی، ۱۳۸۵، ۶۶ - ۶۷) فرستاده خداوند حضرت محمد. در این مقاله به دنبال بررسی نقش مدیریت در تحقق اهداف نبوت می‌باشیم

ضرورت ایجاد مدیریت

نیاز هر جامعه به دستگاه مدیریتی، از مسائل بدیهی و مسلم نزد متفکران و از نیازهای طبیعی انسان است. گزارش‌های تاریخی و تحقیقات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی و شواهد دیگر مؤید این مطلب است که تمامی اقوام و ملل در همه دوران‌های تاریخ با هر فکر و عقیده، هیچ‌گاه از نهاد رهبری و مدیریت خالی نبوده است، هرچند شکل و شیوه‌های مدیریت و رهبری متفاوت بوده است. تبیین جایگاه فلسفی آن این است که در زندگی اجتماعی، وجود قانون که حدود وظایف و حقوق اجتماعی افراد را تعیین کند، ضروری است. از سوی دیگر قانون بدون پشتوانه اجرایی بی‌تأثیر است. از این رو لازم است فرد یا گروهی بر اجرای قانون نظارت نمایند و این همان مدیریت جامعه است که در طول تاریخ با شکل‌های ساده و پیچیده وجود داشته است (سید علوی، ۱۳۸۱، ۳۶)

در سخنان امام علی بر ضرورت مدیریت تأکید شده است تا آنجا که اگر زمامدار صالح و نیکوکار یافت نشود و امر جامعه دایر بر این باشد که یا زمامداری ناصالح عهده‌دار تدبیر نظام حکومتی جامعه گردد، یا نظام سیاسی بر جامعه حکمفرما نباشد، و جامعه به دست هرج و مرج سپرده شود، فرض نخست رجحان دارد چنان که فرمود لایب للناس من امیر بر او فاجر " (خطبه ۴۰ نهج البلاغه)

مردم را از رهبر و پیشوا گریزی نیست، حال آن رهبر یا نیکوکار و خیرخواه است و یا ستمکار و نابکار. ضرورت وجود حکومت، مدیریت و رهبری در جامعه بشری، به طور عام، و در جامعه اسلامی، به طور خاص، یکی از اصول مسلم در فلسفه و کلام اسلامی است. آنان بر این اساس بر وجوب نبوت و امامت استدلال کرده‌اند. ابن‌سینا درباره وجوب نبوت گفته است: از آنجا که انسان به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند، بلکه به مشارکت و تعاون در امور زندگی نیاز دارد لازم است برای حفظ نظام اجتماعی قانونی وجود داشته باشد که توسط قانون‌گذاری که بر دیگران برتری دارد و آنان اطاعت از او را بر خود لازم می‌دانند، تدوین شده باشد. چنین قانون‌گذاری کسی است که از جانب خداوند برگزیده شده است. وی درباره وجوب رهبر و زمامدار در جامعه بشری گفته است: هر عاقلی که با مردم معاشرت داشته و با خلق و خوی مردم آشنایی دارد، می‌داند هرگاه در جامعه رهبری مدبر و با کفایت وجود داشته باشد، ظلم و فساد از جامعه رخت برمی‌بندد و یا به حداقل ممکن تقلیل می‌یابد و

شرایط زندگی عادلانه برای مردم فراهم می گردد و هرگاه چنین رهبر و زمامداری وجود نداشته باشد، ظلم و تباهی جامعه را فرا می گیرد، یا شرایط زمینه تحقق آن فراهم تر می باشد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹، ۴۸ - ۴۹)

ضرورت سامان دهی نظام های اجتماعی و مدیریت آن توسط انبیا

همه اشکال حیات آدمی با هدف اولی و قصد با لذات دعوت انبیای عظام که سوق دادن انسان ها به معنویت و خدامحوری و در نهایت وصول به سعادت اخروی است، سازگاری ندارد. بدین روی، و نیز به دلیل آنکه فقدان هدایت های راستین در عرصه حیات جمعی، منجر می شود که طبیعت آمیخته به خودخواهی، حب ذات، استخدام گری، منفعت طلبی و ستیزه جویی بشر فضایی آکنده از ظلم و استبداد و زورمداری را بر جامعه بشری حاکم کند

و وضعیتی به وجود آورد که به طور حتم با اهداف اصیل انبیا سازگار نباشد، از این رو به، حکم عقل، لازم است تصحیح معیشت دنیوی انسان ها و تلاش برای اصلاح مناسبات اجتماعی بشر، با فراهم نمودن تشکیلاتی منسجم و نظام یافته، به عنوان هدفی بالتبع و قصدی ثانوی در سر لوحه برنامه انبیای الهی قرار گیرد که البته ممکن است توجه متفکران برجسته اسلام به هر دو امور دنیوی و اخروی در معرفی نبی بر اساس همین الزام عقل و نشأت گرفته از این واقعیت باشد که رسالت حقیقی انبیا در رهبری انسان ها به سر منزل سعادت، بدون توجه به این نیاز اساسی بشر ناموفق و ناتمام خواهد ماند

چنین نظر گاهی، به ویژه در خصوص پیامبر اکرم مورد تأیید آیات الهی است و قرآن کریم آن حضرت را به عنوان کسی که برای دخالت در زندگی مردم اولی و دارای ولایت است معرفی کرده و ایشان را واجد فرمان حکومت به عنوان نبی الهی دانسته است، می فرماید: النبى اولى بالمؤمنين من انفسهم (احزاب/۶) به تصریح مفسران، این اولویت اختصاص به مسائل دنیوی و اخروی مردم ندارد، بلکه همه امور آنان اعم از دنیوی و دینی را شامل می شود

اطلاق آیه شریفه که اولویت و ولایت پیامبر را به عرصه خاصی محدود نکرده و در نتیجه همه حوزه های ولایت پذیر را که در رأس آنها حوزه رهبری و مدیریت سیاسی و اجتماعی است شامل می شود و آن حضرت از سوی خداوند ولایتی فراگیر بر مردم پیدا می کند. امام باقر (علیه السلام) در ذیل این آیه فرموده اند: این آیه درباره رهبری و زعامت پیامبر نازل شده است (کریمی والا، بی تا، ۴۷ - ۴۹)

: پی نوشت ها

دانشیار دانشگاه تهران ۱.

کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول) ۲.

nzarvandi@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد الهیات و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

jzarvandi@yahoo.co.uk

۴. □□□□□□ □□□□□□